

بحث در موضوعات حقوقی

رای داور

برای طرفین از این جهت است که آنها ضمن قرارداد متعهد شده‌اند تصمیم داورهای انتخابی را بموقع اجراء گذارند به عبارت دیگر باین ترتیب اطراف دعوی حقوق خود را نسبت بیکدیگر تبدیل بمداول رای داور نموده‌اند.

از بررسی در قانون داورى سابق و آئین دادرسی مدنی ایران نیز اینطور نتیجه گرفته میشود که قانون گذار برای رای داور بیشتر وصف قرارداد را قائل شده زیرا از طرفی در ماده ۶۶۵ قانون آئین دادرسی مدنی مثل قراردادها موارد بطلانی را برای آن پیش بینی کرده و از طرف دیگر صدور برك اجرائی را در اختیار داور ندانسته و بعهده دادگاه ارجاع کننده دعوی بداورى و یا دادگاهی که صلاحیت رسیدگی باصل دعوی را داشته گذاشته است و بعلاوه همانطور که اطراف قرارداد حق دارند اقدام باقاله نمایند بطرفین اختلاف اختیار داده شده است که هرگاه باتفاق رای داور را بعضاً یا کلاً رد کنند آن رای در قسمت مربوطه بلا اثر خواهد ماند (ماده ۶۶۳) چیزی که هست در ماده ۶۶۲ آئین دادرسی مدنی قانونگذار از رای داور تعبیر بحکم کرده باین عبارت :

« هرگاه محکوم علیه ناده روز بعد از ابلاغ حکم باو طوعاً حکم را اجراء نکرد » در ماده ۶۶۴ نیز این تعبیر دیده میشود : « تصحیح حکم قبل از انقضاء مدت داورى با داور و بعد از انقضاء مدت داورى با دادگاه صلاحیت دار است. » این رویه قانونگذار نباید ماسا را با شتاب انداخته و عقیده مند کند که معلوم میشود مقنن رای داور را از قبیل

دانشمندان حقوق در طبیعت رای داور عقیده واحدی را نداشته بعضی میگویند رای داور از قبیل قرار داد منعقد بین دو یا چند نفر است و با حکم دادگاه وجه جامعی ندارد با این استدلال که داورها نظر بوکالتی که از طرفین اختلاف دارند اقدام بفضل خصومت مینمایند و رای داور در حقیقت نتیجه قرار داد داورى میباشد بهمین جهت گفته اند که رای داور عبارت از نتیجه قرار داورى است که بر حسب وکالت بدست داورها نگاشته شده است در تأیید این نظر اضافه میکنند که رای داورى بخودی خود قابل اجرا نیست و برای اینکه بموقع اجراء گذاشته شود باید برك اجرائی از طرف دادگاه صادر گردد بعلاوه اصولاً برای رای داور طریق شکایتی پیش بینی نشده بلکه فقط مثل قراردادها موارد بطلانی در مورد آن مقرر گردیده است

گروهی از دانشمندان این نظر را مخدوش دانسته و میگویند درست است برای اینکه داور بتواند اقدام برسیدگی و صدور رای بنماید قرارداد داورى لازم است ولى پس از انعقاد قرار داد داورى داور در حکم دادرس بوده و دارای همان اختیارات دادرس میباشد و بهمین جهت رایی که او صادر میکند از قبیل حکم صادر از طرف دادرس است - بر حسب رویه قضائی فرانسه رای داور دارای وصف قرار داد بوده و در عداد حکم دادرس بشمار نمیرود - طبق حقوق انگلستان نیز رای داور از قبیل قرار داد است در تأیید این نظر علمای انگلستان میگویند که الزامی بودن رای داور

دلایل خود را ابراز دارند. بر حسب قوانین فرانسه و انگلستان تمام داورها باید در مشاوره و رای شرکت نمایند مگر اینکه خلاف آن در قرارداد داوری پیش بینی شده باشد.

مندرجات رأی داور

رای داور باید طوری باشد که بدعوی خاتمه دهد بنابراین لازم است از طرفی محتوی تصمیم داور بوده و از طرف دیگر کیفیت دیگری نیز در آن رعایت شود تا صدور آن از ناحیه داورها مسلم بوده و در عین حال اجرای آن سهل و آسان شود. در فرانسه باید حکم داور شامل بر تصمیم داور بوده و تمام نکات مورد اختلاف را حل کرده ولی از حدود اختیار داوری نباید تجاوز شده باشد از حیث شرایط صوری طبق ماده ۱۰۰۹ آئین دادرسی مدنی باید مواد مربوط بدادگاه در اینجا نیز رعایت شود البته این ماده تا اندازه که در مورد داور مصداق پیدا میکند باید موقع اجراء گذاشته شود مثلاً در اینجا نام دادستان و اظهار عقیده او در حکم ذکر نمیشود زیرا دادستان نزد داور دخالت ندارد. با تلفیق مواد مربوط بمندرجات حکم دادگاهها و اصول داوری می توان گفت که رای داور باید حاوی نکات زیر باشد:

- ۱ - اسم داورها و حضور آنها در جلسات.
- ۲ - اسامی و محل اقامت و کار طرفین.
- ۳ - اظهارات و مدافعات هر یک.
- ۴ - مدارک رأی.
- ۵ - شرح قضیه.
- ۶ - تصمیم داور.
- ۷ - امضای داور.
- ۸ - تاریخ آن.

در انگلستان بطوریکه از رویه دادگاهها استنباط میشود رأی داور باید واضح و روشن بوده و ابهام نداشته باشد ولی شرایط خاصی برای طرز تنظیم آن پیش بینی نگردیده فقط

حکم دادگاه دانسته است بلکه باید گرویم که مقنن در اینجا مسامحه در تعبیر نموده و حکم را بمعنی عام خود که عبارت از رای صادر در مقام فصل خصومت است استعمال کرده.

صدور رأی

داورها باید در مدتی که در قرارداد داوری اختیار برای آنها تعیین شده اقدام بصدور رای نمایند و اگر در قرارداد داوری مدت اختیار داورها معین نشده باشد مدت دو ماه خواهد بود و ابتداء آن از روزی است که تمام داورها کتیباً قبول داوری کرده باشند هرگاه داورها در مدت معینه در قرر داد داوری یا در مدتی که قانون معین کرده است رای ندهند داورهای آنها کاتباً لم یکن خواهد بود مگر اینکه طرفین مدت جدیدی را قرار بدهند اصولاً باید تمام داورها در مشاوره و رأی شرکت نمایند با وجود این برای اینکه عدم حضور یکی از داورها یا امتناع از رأی موجب تعویق کار نشود قانونگذار ضمن ماده ۶۶۰ آئین دادرسی مدنی پیش بینی کرده: «اگر یکی از داورها در جلسه که برای رسیدگی یا مشاوره با اطلاع او معین شده حاضر نشود یا حاضر شده و از دادن رأی امتناع نماید رایی که با کثرت صادر میشود منط اعتبار است هر چند که در قرارداد داوری اتفاق شرط شده باشد.

عدم حضور یا امتناع داور از دادن رأی یا امضاء آن باید در برك حکم قید شود. قانونگذار بقدری باین ماده اهمیت داده که مدلول آن را از مقررات مربوط به انتظام عمومی دانسته و حتی با طرف دعوی اجازه نداده است که خلاف آنرا در قرارداد پیش بینی نمایند. قانونگذار ایران اعلان ختم رسیدگی را همانطوری که در دادگاهها معمول است برای رسیدگی داور پیش بینی ننموده بنظر نگارنده حق این است که رعایت این نکته ضمن رسیدگی داور نیز الزامی قرار داده شود تا اطراف دعوی غفلت گیر نشده و موقع

ترتیب کاملاً مراعات نمی‌شود زیرا از طرفی داورها می‌توانند رأی خود را تصحیح نموده و از طرف دیگر دادگاهی که رأی داور را مورد بررسی قرار می‌دهد اختیار دارد آن را نزد داورها برای مطالعه بیشتری بفرستد. در اثر این اوجاع داورها مجدداً صالح شناخته شد. و ممکن است تغییری در رأی سابق بدهند.

در ایران اصولاً از داورها بعد از صدور رأی نسبت با مریکه رسیدگی کرده سلب صلاحیت شده و دیگر حق ندارند در رأی خود تغییری بدهند مگر در صورتیکه تصحیحی لازم باشد و مدت داوری هم منقضی نگردیده باشد در اینصورت بموجب ماده ۶۶۴ خود داور مبادرت به تصحیح رأی مینماید بدیهی است که اختیار داور در این مورد در حدود اختیار دادرسی بوده و وقتی اقدام به تصحیح رأی می‌نماید که شباهی در حساب با سهو قلم و یا سایر اشتباهات بنوعی شبیه بآن رخ دهد مثلاً از قلم افتادن نام یکی از اصحاب دعوی. در هر حال داور حق ندارد با تصحیح رأی اساس آن را بهم زند یا تغییر دیگری در مدلول آن بدهد.

اثر رأی داور بین اطراف دعوی - نسبت با طرف دعوی رأی داور آثار حکم دادگاه را دارد یعنی دارای اعتبار امر محکوم به بوده بعلاوه مدلول آن با صدور برك اجرائی از طرف دادگاه قابل اجراء است بعضی از دانشمندان ابر عقیده را نداشته و معتقدند که رأی داور بخودی خود دارای اعتبار امر محکوم به نبوده و این اثر منحصر بحکم دادگاه است. گروهی دیگر می‌گویند رأی داور وقتی دارای اعتبار امر محکوم به است که منتهی بصدر برك اجرائی از طرف دادگاه بشود و در مقام مقایسه رأی داور را با احکام صادر از طرف دادگاههای خارجه تشبیه نموده و می‌گویند همانطوری که احکام نامرده قبل از اعطاء قوت اجرائی از طرف دادگاه دارای اعتبار امر محکوم به نیست همین طور هم رأی داور قبل از صدور برك اجرائی نمیتواند اثر مزبور را دارا باشد. مخالفین این عقیده می‌گویند رأی داور هر چند از مقام رسمی صادر نشده ولی دارای مشخصات حکم دادگاه بوده و اگر

در قانون ۱۸۸۹ ذکر شده که رأی داور باید کتبی بوده مگر این که در قرار داد داوری شرط خلاف آن شده باشد. بعلاوه رأی داور باید کاملاً کاشف از قصد او بوده و لازم نیست در آن اسامی اطراف دعوی یا اظهارات آن‌ها یا دلایل آن قید شده باشد بنا بر این رأی داور در انگلستان ممکن است منحصر بنصمیم او بوده و حاوی چیز دیگری نباشد چیزی که هست در عمل موضوع دعوی و اختیارات داور و مورد نزاع در آن تصریح میشود. رأی داور باید در حضور همه داورها با امضای آنها برسد اصولاً لازم نیست کسی امضای آنها را تصدیق بکند ولی در عمل از نظر احتیاط امضاء آنها بنصدیق گواهی که در موقع صدور رأی حضور داشته میرسد بعلاوه تاریخ صدور در آن ذکر میشود تا بدینوسیله که معلوم گردد که داورها در مدت اختیار خود اقدام به صدور رأی نموده اند.

در ایران نکاتی که باید در رأی ذکر شود پیش بینی نگردیده فقط در ماده ۶۵۸ آئین دادرسی مدنی ذکر شده که رأی داور باید موجه و مدلل باشد از این ماده اینطور نتیجه می‌گیریم که در رأی داور باید دلایلی که داورها برای تصمیم خود دارند قید شود بعلاوه در ماده ۶۶۰ آئین دادرسی مدنی ذکر شده که در صورت عدم حضور یا امتناع داور از دادن رأی با از امضاء آن باید در برك حکم قید شود - غیر از این دو ماده در جای دیگری مقرر نشده است که چه نکاتی بساید در حکم داور ذکر گردد چیزی که هست از مدلول ماده ۶۵۸ که مدلل و دن رأی داور را لازم دانسته میتوان اینطور نتیجه گرفت که مقدماتیکه برای روشن شدن استدلال داور لازم است باید در رأی داور قید گردد مثل اسامی اطراف دعوی و شرح مورد نزاع بعلاوه در عمل داورها مقررات آئین دادرسی مدنی را راجع بحکم در نظر گرفته و نکاتی که معمولاً در حکم ذکر میشود در رأی خود نیز قید مینمایند.

آثار رأی داور - در فرانس پس از آنکه داور رأی خود را صادر کرد دیگر اختیار ندارد دوباره وارد رسیدگی شده و در آن تغییری بدهد جز در مورد تصحیح حکم. در انگلستان این

اعتبار امر محکوم به را برای آن قائل نشویم برخلاف قصد طرفین اقدام نموده ایم.

احکام دادگاهها از اسناد رسمی بشمار میرود ولی برای رأی داور نمیتوان این امتیاز را قائل شد زیرا داور از مقامات رسمی محسوب نمیکردد مگر اینکه بگوئیم قانونگذار با اعطاء اختیار داورى آنها را بمنزله مقامات رسمی محسوب داشته بنابراین رأی آنها در عداد اسناد رسمی بشمار میرود این عقیده با اصول قانونی ما نمی سازد زیرا بطوری که گفتیم رأی داور بیشتر دارای طبیعت قرارداد بوده و وجه جامع آن با حکم دادگاه کمتر است در هر حال آنهائی که رأی داور را سند رسمی تلقی میکنند می گویند همانطور که اعتبار اسناد رسمی فقط با اثبات جمعیت ممکن است از بین برود اعتبار رأی داور هم فقط با اثبات این امر منتفی خواهد شد.

اختلافی که بین رأی داور و حکم دادگاه موجود است و دانشمندان هم در آن اتفاق کرده اند اثر اجرائی است باین معنی که حکم دادگاه بخودی خود قوت اجرائی داشته و احتیاجی نیست که مقام دیگری این اثر را بآن بیفزاید و حال آنکه رأی داور بمنتهائی فاقد اثر اجرائی بوده و فقط در اثر برگ اجرائیه صادر از طرف دادگاه است که مدلول آن بموقع اجراء گذاشته میشود.

در انگلستان برای رأی داور اعتبار امر محکوم به را شناخته اند این اعتبار نسبت باطراف دعوی است و برای دادگاه مؤثر نیست چه بطوریکه دیدیم دادگاه ممکن است قضیه که مورد رأی داور بوده دوباره نزد او بفرستد تا بررسی زیادتری بر آن بنمایند با این ترتیب قضیه که مورد رسیدگی واقع شده مجدداً نزد همان داور ها طرح و ممکن است رأی برخلاف رأی سابق صادر نمایند ولی اطراف دعوی نمی توانند برخلاف قرار دادی که بین خود منعقد کرده اند پس از صدور رأی اختلافی را که مورد رأی شده است مجدداً در دادگاهها مطرح نمایند.

اثر رأی داور نسبت باشخاص ثالث

بموجب ماده ۶۶۹ قانون آئین دادرسی مدنی رأی داور فقط در باره طرفین دعوی و اشخاصیکه دخالت و شرکت در تعیین داور داشته و یا قائم مقام آنان میباشد نافذ است و نسبت باشخاص خارج تأثیری نخواهد داشت - در پادى امر

بنظر میرسد که ذکر این ماده چندان لزوم ندارد زیرا از دو حال بیرون نیست یا برای رأی داور وصف قرار دادرا قائل می شویم و یا وصف حکم را برای آن میشناسیم در صورتی که برای رأی داور وصف قرارداد را قائل شویم مدلول ماده نامبرده ضمن ماده ۲۳۱ قانون مدنی تأمین شده است که می گوید « معاملات و عقود فقط در باره طرفین متعاملین و قائم مقام قانونی آنها مؤثر است » و احتیاجی بذکر آن نیست اگر رأی داور را از قبیل حکم دادگاه بدانیم نیز قید ماده نامبرده بیفایده بنظر میرسد زیرا بموجب اصول کلی حکم دادگاه فقط نسبت بطرفین دعوی مؤثر است چیزی که هست بموجب ماده ۵۸۲ آئین دادرسی مدنی اگر در خصوص دعوائی حکم یا قرارى صادر شود که بحقوق شخص ثالث خللی وارد آورد که آن شخص و یا نماینده او در مرحله دادرسی که منتهی بحکم یا قرار شده است بعنوان اصحاب دعوی دخالت نداشته می تواند بر آن حکم یا قرار اعتراض نماید. بموجب این ماده حکم دادگاه ممکنست بحقوق شخص ثالث زبانی رسانده و بهمین جهت قانونگذار برای شخص ثالث حق اعتراض را قائل شده است مثلاً اگر ملکی متعلق بدو نفر باشد و مالک همسایه بتصویر اینکه ملک متعلق بیک نفر است فقط بر علیه یکی از آنها اقامه دعوی نماید و حکم بر له او نسبت بحق از اتفاق صادر گردد چنین حکمی بشریک ملکی که در دعوی شرکت نداشته ضرر میرساند در این صورت او حق دارد نسبت بحکم صادر اعتراض کند - منظور قانونگذار از ماده ۶۶۹ آئین دادرسی مدنی اینست که برای حکم داور اینقدر اثر هم قائل نشده یعنی اگر رأی بدین ترتیب از طرف داور صادر گردد ذینفع احتیاج ندارد از طریق اعتراض بر حکم نسبت بآن شکایت کند بلکه می تواند رأساً اقامه دعوی نماید. در فرانسه ضمن ماده ۲۲۰ آئین دادرسی مدنی مدلول ماده ۶۶۹ قانون ایران پیش بینی شده است.

در حقوق انگلستان نیز رأی داور فقط نسبت باطراف دعوی و قائم مقام آنها تأثیر دارد ولی در قوانین آن کشور ماده نظیر ماده ۲۲۰ آئین دادرسی مدنی فرانسه و ماده ۶۶۹ قانون ایران دیده نمیشود فقط ضمن قانون ۱۸۸۹ پیش بینی شده که رأی داور تنها نسبت باطراف قرار داد تأثیر دارد.